



ارائه شده توسط:

سایت ترجمه فا

مرجع جدیدترین مقالات ترجمه شده

از نشریات معتبر

## نزدیک شدن یا اجتناب (یا هر دو؟)

### ادغام خود ارزیابی های اصلی در یک چارچوب نزدیک شدن / اجتناب

خود ارزیابی های اصلی (CSE) نشان دهنده یک ساختار شخصیت جدید هستند که با وجود شواهد زیاد در مورد اعتبار پیش بینی آن، بحث در مورد ماهیت اساسی نزدیک شدن یا اجتناب این ساختار را ایجاد می کنند. این مجموعه مطالعات به منظور روشن ساختن ماهیت نزدیک شدن / اجتناب CSE با بررسی رابطه آن با ویژگی های شخصیتی نزدیک شدن / اجتناب و ساختار های انگیزشی انجام شده اند (مطالعه 1)؛ پس از آن مکانیسم های انگیزشی نزدیک شدن / اجتناب به عنوان میانجی های رابطه بین CSE و عملکرد شغلی مورد بررسی قرار می گیرند (مطالعه 2). به طور کلی، مطالعات انجام شده نشان می دهند که CSE با نشان دادن گرایش های نزدیک شدن (بالا) و گرایش های نزدیک شدن (پایین) در بهترین حالت مفهوم سازی شده است؛ پیامد های این نتایج برای نظریه CSE مورد بحث و بررسی قرار گرفته اند.

در دهه گذشته، یک ادبیات تحقیقاتی جدید برای بررسی ساختار شخصیتی گسترده خود ارزیابی های اصلی ایجاد شده است (CSE؛ جادج، لاک و دورهام 1997). CSE به معنای ارزشیابی های اساسی است که افراد در مورد ارزش، شایستگی و توانایی های خود انجام می دهند (جادج، بونو، ارز و لاک 2005، ص 257) و به عنوان ساختار پنهانی اساسی برای واریانس مشترک بین سایر معیارهای خود ارزیابی به شمار می رود (جادج، ارز، بونو و تورسن 2003). با وجود تاریخچه کوتاه آن، بسیاری از مطالعات نشان داده اند که CSE با بسیاری از پیامد های سازمانی مهم در ارتباط قرار دارد (براون، فریس، هلر و کیپینگ 2007؛ جادج و بونو 2001).

اخیرا، محققان CSE فراتر از مطالعاتی حرکت کرده اند که نشان دهنده ساختار عامل و روابط آن با پیامد ها هستند و بررسی می کنند که CSE چگونه پیامد ها را تحت تاثیر قرار می دهد (جادج، وان ویانن و د پتر 2004). در این رابطه، دو پیشنهاد ظاهرا متناقض مطرح شده اند. اول، CSE به عنوان شاخصی از حالت نزدیک شدن تعریف شده است (جادج، لاک، دورهام و کلوگر 1998)، که افراد را به سوی دستیابی به نتایج مثبت سوق می دهد و پس از آن

عملکرد و رفاه را تحت تاثیر قرار می دهد. دوم، CSE به عنوان شاخصی از حالت اجتناب تعریف شده است (جادج و بونو 2001؛ جانسون، روزن و لوی 2008) که افراد را به سوی منع پیامد های منفی با عواقبی جانبی برای عملکرد و رفاه سوق می دهد. این دیدگاه ها با وجود تناقض ظاهری در کنار یکدیگر وجود دارند.

با این حال، هر دو دیدگاه ادعاهایی در مورد ماهیت نزدیک شدن / اجتناب CSE، بدون داده های تجربی برای حمایت از این ادعا ها ارائه می دهند. تا کنون، هیچ مطالعه ای به طور جامع رابطه CSE با ساختار های نزدیک شدن و اجتناب بررسی نکرده است، علاوه بر این، در هیچ مطالعه ای مکانیسم های میانجی نزدیک شدن و اجتناب برای توضیح اثرات CSE مقایسه نشده اند. بنابراین، هر چند دو دیدگاه متناقض وجود دارند، اما می توان گفت کدام یک از این دیدگاه ها گزارش دقیق تری در مورد اثرات CSE ارائه می دهند. این وضعیت نامطلوب است، زیرا درک مکانیسم هایی که CSE از طریق آن ها عمل می کند برای بررسی فرضیه های نظری پیرامون ماهیت CSE و چگونگی ارتباط آن با پیامد های انگیزشی و رفتاری و همچنین برای ایجاد مداخلات کاهشده اثرات منفی CSE پایین ضروری است.

بنابراین، هدف مطالعه ما دوگانه است. اول، در مطالعه 1، اولین بررسی رابطه بین CSE و ساختار های نزدیک شدن و اجتناب انجام می شود؛ نتایج به دست آمده مربوط به این بحث هستند که CSE در بهترین حالت به عنوان نوعی حالت نزدیک شدن، حالت اجتناب یا هر دو در نظر گرفته می شود. دوم، در مطالعه 2، هر دو انگیزه نزدیک شدن و اجتناب به عنوان واسطه های رابطه بین CSE و عملکرد شغلی بررسی می شوند.

### نزدیک شدن و اجتناب

تمایز بین نزدیک شدن و اجتناب، یا حساسیت به لذت و درد، تاریخچه طولانی در روانشناسی درد و یکی از چند اصولی است که روانشناسی را به عنوان یک رشته تشکیل داده است (الیوت و کوینگتون 2001). اثبات شده است که تمایز بین نزدیک شدن و اجتناب برای انواع موضوعات مفید است، از جمله شخصیت و انگیزش. در مورد شخصیت، محققان تفاوت های فردی بیولوژیکی در حساسیت نسبت به نتایج مثبت یا منفی را مطرح کرده اند، که به عنوان حالت های نزدیک شدن یا اجتناب شناخته شده اند (الیوت و تاراش 2002). این حالت ها به طور مستقل عمل می

کنند و به شیوه های قابل رویت از طریق تاثیر بر ویژگی های شخصیتی آشکار می شوند، و صفات شخصیتی خاص به عنوان شاخص های رویکرد پنهان و حالت های اجتناب طبقه بندی می شوند (الیوت و تاراش 2002). به عنوان مثال، روان رنجوری منعکس کننده تاثیر حالت اجتناب است، و افراد بسیار عصبی نسبت به اطلاعات منفی هستند، در حالی که برونگرایی منعکس کننده تاثیر حالت نزدیک شدن است و افراد برونگرا نسبت به اطلاعات مثبت حساس هستند (لارسن و کتار 1991). به طور مشابه، محققان وجود حالت های نزدیک شدن و اجتناب در انگیزش را مطرح کرده اند. این دو نوع انگیزش از آن جهت متفاوت هستند که انگیزه نزدیک شدن با حساسیت، تلاش برای به دست آوردن و نتایج مثبت در ارتباط قرار دارد؛ در عوض، انگیزه اجتناب با حساسیت، تلاش برای پیشگیری و نتایج منفی در ارتباط قرار دارد (الیوت 1999). این می تواند در اهدافی مانند «من برای دستیابی به امید ها و رویاهای خود تلاش می کنم» (نزدیک شدن) و «من می خواهم از عملکرد بد اجتناب کنم» (اجتناب؛ الیوت و مک گرگور 2001؛ واندوال 1997) منعکس شود. هر چند این اهداف ممکن است مشابه به نظر برسند، اما تحقیقات نشان داده اند که انگیزه اجتناب معمولاً بر نتایج مطلوب تاثیر منفی دارد (الیوت 1999).

تمایز بین جنبه های نزدیک شدن / اجتناب ساختار های شخصیت و انگیزش نیز برای ادغام دو ادبیات مورد استفاده قرار گرفته است. انگیزه نزدیک شدن و اجتناب که بیش تر به نتایج نزدیک هستند، معمولاً به عنوان کانال های انگیزشی سطح متوسط اثرات حالت های نزدیک شدن و اجتناب در نظر گرفته می شوند (الیوت و تاراش 2002). هر چند حالت های بیولوژیکی نزدیک شدن و اجتناب انگیزه اولیه رفتار را ایجاد می کنند، اما مکانیسم های انگیزشی مانند هدف و جهت گیری های هدف به عنوان عوامل تعیین کننده گرایش ها و رفتار در نظر گرفته می شوند که تاثیر حالت های نزدیک شدن و اجتناب را منتقل می کنند (الیوت و مک گرگور 1999).

ویژگی های شخصیتی نزدیک شدن و اجتناب فقط با ساختار های انگیزشی با ارزش در ارتباط قرار دارند. به عبارتی حالت اجتناب (نزدیک شدن) با به کارگیری انگیزه اجتناب (نزدیک شدن) در ارتباط قرار دارد، اما با به کارگیری انگیزه نزدیک شدن (اجتناب) در ارتباط نیست. این استدلال توسط الیوت و تاراش (2002) حمایت شد که دریافتند ویژگی های شخصیتی خاص می توانند با توجه به این که منعکس کننده حالت های نزدیک شدن یا اجتناب هستند،

گروه بندی شوند، و رابطه این ویژگی ها با انگیزه نزدیک شدن و اجتناب می تواند بر اساس این گروه بندی پیش بینی شود. به طور خاص، آن ها دریافته اند که روان رنجوری، خلق منفی (NT) و سیستم مهار رفتاری (BIS)، شاخصه های یک حالت اجتناب نهفته هستند، در حالی که برونگرایی، خلق مثبت (PT) و سیستم فعال سازی رفتاری (BAS)، شاخص های یک حالت نزدیک شدن نهفته هستند. علاوه بر این، شاخص های حالت نزدیک شدن و اجتناب به طور منحصر به فرد با ساختار های انگیزشی نزدیک شدن و اجتناب در جهت های مورد انتظار در ارتباط قرار داشتند.

بنابراین، ویژگی های می توانند به گونه ای مشخص شوند که منعکس کننده سطوح مختلف حالت های نزدیک شدن و اجتناب هستند، و ماهیت نزدیک شدن / اجتناب ویژگی های شخصیتی در پیش بینی نحوه ارتباط آن ها با انگیزه نزدیک شدن و اجتناب در ارتباط قرار دارند. این در CSE اعمال شده و نشان می دهد که CSE نیز می تواند از نظر نحوه ارتباط خود با حالت های نزدیک شدن و اجتناب شناخته شود؛ چنین اطلاعاتی به نوبه خود با نشان دادن مکانیسم های انگیزشی نزدیک شدن و اجتناب، در مورد علت تاثیر CSE بر پیامد های کار بینشی ارائه می دهند. با این حال، هر چند محققان CSE را در یک چارچوب نزدیک شدن / اجتناب ادغام کرده اند، این کار را به شیوه های متناقض و بدون ارائه داده های تجربی برای حمایت از ادعای خود انجام داده اند. به منظور رسیدگی به این اشتباه نظری، به بررسی ماهیت نزدیک شدن / اجتناب ساختار CSE و این که بهتر است به عنوان شاخص حالت نزدیک شدن، حالت اجتناب یا هر دو شناخته شود، می پردازیم.

#### ادغام CSE در یک چارچوب نزدیک شدن / اجتناب

CSE ها ارزیابی های اساسی هستند که افراد در مورد خود و بر اساس خود ارزیابی های دیگر مانند روان رنجوری، خود کارآمدی تعمیم یافته، عزت نفس و مکان کنترل انجام می دهند (جادج، ارز و بونو 1998). تحقیقات قبلی نشان داده اند که CSE از طریق تاثیر آن بر انگیزه با نتایج در ارتباط قرار دارند، و حتی فرضیه های CSE بر اساس موضوعات مشابه با چارچوب نزدیک شدن / اجتناب قرار دارند (جادج و همکاران 2005؛ 1998). در عین حال، سردرگمی قابل توجهی در مورد نحوه ادغام CSE در چنین چارچوبی وجود دارد. از یک سو، با توجه به این که CSE

شامل روان رنجوری است که خود شاخصی از حالت اجتناب می باشد، ممکن نشان دهنده شاخصی از حالت اجتناب باشد (الیوت و تاراش 2002). در واقع، جادج و بونو (2001) معتقدند که CSE مشابه روان رنجوری است، که نشان می دهد CSE باید به عنوان شاخصی از حالت اجتناب در نظر گرفته شود (جانسون و همکاران 2008). با این وجود، تحقیقات تجربی نشان داده اند که CSE (الف) نشان دهنده حساسیت به پاداش است (جادج و همکاران 1998) و (ب) باید استفاده از اهداف نزدیک شدن را پیش بینی کند (جادج و همکاران 2005)، که هر دو آن ها با مفهوم CSE به عنوان شاخصی از حالت نزدیک شدن مطابقت دارند.

بنابراین، بین استدلال های نظری که نشان می دهند CSE شاخصی از حالت اجتناب است و آزمایش های تجربی که CSE را به عنوان شاخصی از حالت نزدیک شدن نشان می دهند، اختلاف وجود دارد. هر چند این دو دیدگاه متناقض به نظر می رسند، این احتمال وجود دارد که CSE به عنوان شاخص هر دو حالت نزدیک شدن و اجتناب عمل کند. هر چند ویژگی های شخصیتی می توانند به گونه ای طبقه بندی شوند که منعکس کننده حالت های نزدیک شدن یا اجتناب باشند، این دو حالت متعامد هستند (الیوت و تاراش 2002) و بنابراین، ویژگی های شخصیتی می توانند منعکس کننده نزدیک شدن و اجتناب باشند (گابل، ریز و الیوت 2003). به عنوان مثال، افراد خودشیفته به دنبال ارتقاء کیفیت خود هستند (به نزدیک شدن تمایل زیادی دارند) و با این حال، نسبت به هرگونه اطلاعات منفی در مورد خود بسیار حساس هستند (مبتنی بر اجتناب هستند؛ مورف و رودوال 2001). با توجه به استقلال حالت های نزدیک شدن و اجتناب، برای ادغام CSE در یک چارچوب نزدیک شدن / اجتناب سه گزینه وجود دارند: CSE ممکن است فقط منعکس کننده حالت اجتناب (جانسون و همکاران 2008) یا حالت نزدیک شدن (جادج و همکاران 1998) یا ترکیبی از این دو باشد. با توجه به این CSE نشان دهنده اختلاف مشترک بین چهار ویژگی شخصیتی است، یک روش برای تشخیص ماهیت نزدیک شدن / اجتناب CSE بررسی ماهیت نزدیک شدن / اجتناب مولفه های آن است.

در سطح نظری، عزت نفس، خود کارآمدی تعمیم یافته و مکان کنترل شامل حساسیت نسبت به اطلاعات مثبت و منفی هستند. به عنوان مثال، عزت نفس به گونه ای تعریف شده است که نشان دهنده دیدگاه مثبت یا منفی فرد از

خود می باشد، در حالی که خودکارآمدی تعمیم یافته نشان دهنده دیدگاه کلی فرد از توانایی خود می باشد (جادج و همکاران 1997). به طور مشابه، مطالعه مکان کنترل ابتدا از این مشاهده آغاز شد که افراد از نظر حساسیت خود نسبت به پاداش و مجازات متفاوت هستند (اسپکتور 1982)، در حالی که عوامل درونی بیش تر نسبت به پاداش و کم تر نسبت به مجازات حساس هستند. بر اساس این حساسیت به اطلاعات مثبت و منفی، ممکن است به طور منطقی انتظار داشته باشیم عزت نفس، خودکارآمدی تعمیم یافته و مکان کنترل منعکس کننده سطوح بالای نزدیک شدن و سطوح پایین اجتناب باشند. از طرف دیگر، خود شیفتگی که منعکس کننده حساسیت به حالت های احساسی منفی است (لارسن و کتلار 1991) نشانگر حالت اجتناب می باشد.

از آن جا که ویژگی های CSE با حالت نزدیک شدن رابطه مثبت و با حالت اجتناب رابطه منفی دارند، انتظار می رود منعکس کننده سطوح بالای نزدیک شدن و سطوح پایین حالت های اجتناب باشند. علاوه بر این، با توجه به این که حالت های نزدیک شدن و اجتناب به عنوان جنبه های اساسی خود در نظر گرفته می شوند (الیوت 1999) و فرض بر این است که CSE نشان دهنده خود ارزیابی های اساسی است (جادج و همکاران 1997)، بنابراین CSE باید شامل جنبه های مثبت و منفی خود باشد.



این مقاله، از سری مقالات ترجمه شده رایگان سایت ترجمه فا میباشد که با فرمت PDF در اختیار شما عزیزان قرار گرفته است. در صورت تمایل میتوانید با کلیک بر روی دکمه های زیر از سایر مقالات نیز استفاده نمایید:

لیست مقالات ترجمه شده ✓

لیست مقالات ترجمه شده رایگان ✓

لیست جدیدترین مقالات انگلیسی ISI ✓

سایت ترجمه فا ؛ مرجع جدیدترین مقالات ترجمه شده از نشریات معتبر خارجی